■ نکته‌ای که در فرمایش‌های رهبر حکیم انقلاب بود حضور قابل توجه خانم‌های ضعیف‌الحجاب و بعضا بی‌حجاب در مراسم‌های روحانی و معنوی شب‌های قدر است. انسان مشاهده می‌کند که خیلی از اینها با چه ابراز احساس و اشک و آهی در این مراسم‌ها دعا می‌کنند و قرآن می‌خوانند. رهبر فرزانه انقلاب که خود عارفی وارسته و عالمی متخلقند اذعان داشتند به حال معنوی و اشک روان بعضی از همین خانم‌ها حسرت می‌خورند

تأملی پیرامون شاخصه‌های معنویت در جامعه

دین‌داری به‌وسعت دعا

رهبر حکیم انقلاب در سال‌های متمادی با اشاره به حضور گسترده مردم بویژه جوانان در مراسم‌های مذهبی از جمله اعتکاف و شب‌های مبارک قدر از رشد معنویت و روحانیت در بین مردم ایران سخن گفتند؛ پدیده‌ای که به چشم هر ناظر بیرونی منصفی آمده و انکار آن را غیرممکن ساخته است.

مساله دیگری که شاید از پدیده مذکور در چند ماه اخیر اهمیت بیشتری می‌یابد، حضور پرشور خانم‌های کم‌حجاب و بی‌حجابی است که ظاهر آنها ممکن است انسان را به خطا انداخته و حکم به عدم تعلق آنها به دین و معنویت دهد اما از قضا رهبر حکیم انقلاب در چند سخنرانی اخیرشان همین قشر را اهل دعا و رمضان و قدر دانستند و بر حالات معنوی بسیاری از این خانم‌ها حسرت بردند. به منظور تبیین بیشتر این نگاه رهبر انقلاب و تاکید ایشان بر دعا و معنویت و گسترش آن در بین مردم اعم از حزب‌اللهی و غیرحزب‌اللهی، ۳ یادداشت از حجج اسلام فرحزاد، مومنی و عالی تقدیم می‌شود.

رشد معنویت جوانان به‌رغم هجمه دشمنان

حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدحسین مومنی: یک مساله‌ای که از نظر بنده بسیار مهم و اساسی است و در تحلیل‌های مختلف اجتماعی و... باید به آن توجه داشت، این است که بر خلاف تبلیغات سنگین دشمن مبنی بر کاهش دینداری در بین مردم، اتفاقا مردم ما بسیار متدین و مومن هستند. بی‌شک و تردید مردم ایران اسلامی مردم معتقد و باورمندی هستند و به‌رغم تمام هجمه‌های دشمن، دست از اعتقادات مذهبی خود برنمی‌دارند. در همین حضور گسترده مردم در مساجد و اماکن مذهبی در لیالی قدر و به صورت کلی ماه مبارک رمضان شما می‌توانید ابراز احساسات دینی مردم را مشاهده کنید. حتی انسان‌هایی که شاید خیلی ظاهر دینی نداشته باشند در این مراسم‌ها قابل مشاهده هستند که چگونه ابراز علاقه به مسائل دینی می‌کنند. خانم‌هایی در این مراسم‌ها و اماکن مقدس حضور دارند که شاید حجاب شرعی را خیلی رعایت نمی‌کنند اما دل در گرو اعتقادات دینی و ائمه اطهار دارند. اینها همه از رشد دینداری در بین مردم ما حکایت می‌کند. رهبر انقلاب مکررا حضور گسترده مردم در این مراسم‌ها و اماکن مذهبی و دعا و مناجات و اشک مردم را نشانه دینداری مردم دانستند و در جایی فرمودند: «مردم امروز گرایش‌شان به انقلاب و به دین از روز اول انقلاب یقینا بیشتر است... ما اول انقلاب اینجور چیزها را نداشتیم. ما اول انقلاب هجوم دانشجویان جوان به سمت مراکز اعتکاف را نداشتیم. این اجتماعات عظیم مذهبی را نداشتیم. امروز اینها هست».

نکته دیگری که در فرمایش‌های رهبر معظم انقلاب هم بود حضور قابل توجه خانم‌های ضعیف‌الحجاب و بعضا بی‌حجاب در این مراسم‌های روحانی و معنوی است. انسان مشاهده می‌کند که خیلی از اینها با چه ابراز احساس و اشک و آهی در این مراسم‌ها دعا می‌کنند و قرآن می‌خوانند. رهبر فرزانه انقلاب که خود عارفی وارسته و عالمی متخلق است اذعان داشتند که به حال معنوی و اشک روان بعضی از همین خانم‌ها حسرت می‌خورند: «در مراسم ماه رمضان، در شب‌های احیا - عکس‌هایش را برای من می‌آورند، حالا من که آنجاها را نمی‌توانم [بروم] اما تصویرش را برای من می‌آورند - زن‌ها با ریخت‌های مختلف، قواره‌های مختلف اشک می‌ریزند؛ من حسرت می‌خورم به آن جور اشک ریختن! می‌گویم ای کاش من هم می‌توانستم این جور مثل این دختر، مثل این زن جوان اشک بریزم».

اینها همه نشان از شاخص بالای معنویت در جامعه ما دارد که پس از انقلاب بسیار رشد کرد.

البته توفیقات مردم و نظام ما در زمینه رشد دینداری و معنویت در جامعه به معنای نبود ایراد و اشکال در کشور و نحوه دینداری مردم نیست.

مردم ما بحمدالله خیلی اهل دعا و مناجات هستند که و در این شب‌های قدر می‌توان به وضوح آن را مشاهده کرد و این را هم مدیون آموزه‌های دینی‌مان هستند که از طریق بزرگان به ما رسیده است.

دعا از جنود عقل است و بزرگان ما همواره مقید به خواندن ادعیه بودند. درباره دعا مردم باید توجه داشه باشند که هر چقدر عقل و علم انسان بیشتر باشد، خواستنش از خدا بیشتر می‌شود. کسی از مولا علی(ع) سوال کرد چرا دعا می‌کنیم اما مستجاب نمی‌شود. ایشان پاسخ دادند که این سخن شرک خفی بوده و کسی که این را بیان می‌کند بدین معناست که قبول نداشته باشد خداوند مجیب است.

اگر ما قبول داریم که خداوند اجابت می‌کند و تمام زیبایی‌ها را در خود دارد، اجابت دعا را باید به او واگذار کنیم، اگر خداوند بنده خود را دوست نداشته باشد، اجازه دعا کردن به او نمی‌دهد. اینکه خداوند در مناجات را به روی ما باز می‌کند به این معناست که ما را دوست دارد و همین که اجازه دعا کردن به ما داده می‌شود بسیار ارزشمند است. باید توجه داشت که انسان باید هنگام دعا کردن نیتی خالص داشته باشد، خواستش را در ذهن مرور کند، در درگاه الهی وسیله‌ای را داشته باشد و درخواستی که از خداوند می‌کند منصفانه باشد.

خداوند در برابر نافرمانی‌های بندگان خود با خصلت رحمانیت برخورد می‌کند اما برخی موانع وجود دارد که اجازه نمی‌دهد دعا استجاب شود، برای مستجاب شدن دعا باید این موانع را برطرف کرد.

کسی که دروغ می‌گوید، غیبت می‌کند و نافرمانی خدا را انجام می‌دهد، زمانی که دعا می‌کند نباید امید زیادی به استجابت داشته باشد. همیشه اینطور نیست که از طرق سخت و با چندهزار بار گفتن یک ذکر خاص دعا مستجاب شود، بلکه برای استجابت دعا کافی است یک گناه را کنار بگذاریم.

در روایات آمده است که دعا کردن موجب برآورده شدن حاجت‌های انسان می‌شود و آثار زیادی برای دعا ذکر شده است.

یکی از آثار دعا کردن این است که انسان از شر شیطان مصون می‌ماند. ابلیس گفته است من نمی‌توانم روی پنج دسته از افراد اثری بگذارم و از جمله این افراد کسانی هستند که با خداوند ارتباط دارند و در تمام امور فقط به خدا تکیه می‌کنند.

فردی که اهل ارتباط با خداوند است، شیطان نمی‌تواند اثری روی او بگذارد. انسان باید اهل ذکر باشد و همیشه ذکر بگوید، استغفار و صلوات از جمله اذکار بسیار موثر است. انسانی که ذکر زیاد می‌گوید، از شر شیطان مصون می‌ماند. همچنین انسانی که در مصیبت اهل جزع نیست و چیزی نمی‌گوید که خداوند را خوش نیایید، شیطان نمی‌تواند روی او اثر بگذارد.

یکی دیگر از آثار دعا کردن برطرف شدن وحشت از انسان است. انسانی که از چیزی می‌ترسد باید دعا کند. انسان هر وحشتی که داشته باشد. به واسطه دعا از بین می‌رود. انسانی که دعا می‌کند خداوند در نگاه او بزرگ است.

انسانی که دعا می‌کند، دل او به واسطه این دعا زنده می‌شود. یکی از برکات دعا کردن، نورانی شدن قلب انسان است و به واسطه دعا کردن انسان به خداوند تقرب می‌یابد.

هر کسی که می‌خواهد به خداوند نزدیک شود، باید زیاد دعا کند و از مردم چیزی نخواهد. کسی که نگاهش به دست مردم باشد عزت خود را از دست می‌دهد. انسان باید در دعا کردن درخواست‌های زیاد داشته باشد. یکی دیگر از آثار دعا کردن، دفع قضای حتمی خداوند است. این وعده ائمه معصومین(ع) است و تخلفی در آن نیست، انسان باید خمس و زکات اموال خودش را بدهد، پرداخت وجوهات شرعی موجب می‌شود اموال انسان ایمن شود.

به واسطه دعا کردن بلایا از انسان دور می‌شود و این مساله در روایات از ائمه معصومین(ع) آمده است. انسانی که از بلایا می‌ترسد، باید زیاد دعا کند و به واسطه دعا کردن بلایا برطرف می‌شود.

انسان نباید زمان‌های استجابت دعا را از دست بدهد؛ ماه مبارک رمضان یکی از زمان‌های استجابت دعاست، یکی دیگر از این زمان‌های استجابت دعا پس از شنیدن روضه امام حسین(ع) است. خوش به حال کسی که دل او برای مصیبت امام حسین(ع) بشکند.

انسان نباید از دعا کردن خسته شود و باید تا می‌تواند دعا کند، چراکه بر اساس روایات دعا کردن رمز رستگاری است.

در این روزهای باقیمانده از ماه مبارک رمضان و شب‌های قدر از خداوند عافیت بخواهیم. یکی از دعاهای بسیار باارزش برای این روزها دعای ۲۳ صحیفه سجادیه است.

دعا، شاخصه جامعه مؤمنان

حجت‌الاسلام والمسلمین حبیب‌الله فرحزاد: یکی از بهترین کارها در ماه مبارک رمضان دعا، نیایش و گدایی در خانه خدای متعال است. اولاً این بشارت را پیغمبر خدا در خطبه شعبانیه به این امت مرحمت فرمودند. بشارت‌های زیادی در خطبه‌های شعبانیه هست، یکی از بشارت‌های مهمش این هست: «أَنْفَاسُکمْ فِیهِ تَسْبِیحٌ وَ نَوْمُکمْ فِیهِ عِبَادَةٌ وَ عَمَلُکمْ فِیهِ مَقْبُولٌ وَ دُعَاؤُکمْ فِیهِ مُسْتَجَابٌ». این بشارت از ۲ لب مبارک پیغمبر خداست. حضرت فرمودند خدای متعال در این ماه دعا و نیایش شما را مستجاب می‌کند و عمل شما را هم می‌پذیرد و قبول می‌کند.

یکی از کارهای مهم ما در این ماه باید خواندن دعاها باشد. بویژه دعاهایی که از اهل‌بیت(ع) به ما رسیده، دعاهای شب، سحر و روز؛ فراوان هم هست. از امام صادق (ع) سوال کردند ۲ نفر مشغول خواندن نماز می‌شوند، یکی در نماز سوره‌های زیاد از قرآن می‌خواند و یکی در نماز دعاهای زیادی می‌خواند. یا در غیر نماز کسی می‌نشیند تلاوت قرآن می‌کند و کسی هم دعای ابوحمزه می‌خواند، دعای سحر می‌خواند، دعای افتتاح می‌خواند؛ کدام افضل است؟ فرمودند هر دو تا فضیلت دارد. راوی سماجت کرد که در انتخاب ۲ گزینه قرائت قرآن و دعا کدام برتر است؟ حضرت فرمودند: چندین روایت به این مضمون داریم که دعا خواندن، نیایش و گدایی کردن حتی از تلاوت قرآن هم افضل‌تر است، این نثر فرمایش امام صادق(ع) است.

چرا دعا از تلاوت قرآن بالاتر است؟ تلاوت قرآن کلام خداست شما می‌خوانید اما دعا کردن، نیایش، گدایی و راز و نیاز و مناجات حتی از کتاب خدا بالاتر است. شاید چند جهت داشته باشد، یک جهت اینکه اولاً دعا کردن و نیایش دستور خود قرآن است «وَ قالَ رَبُّکمُ ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکمْ إِنَّ الَّذینَ یسْتَکبِرُونَ عَنْ عِبادَتی سَیدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرینَ» خود خدای متعال می‌فرماید دعا بکنید من اجابت می‌کنم. «إِنَّ الَّذینَ یسْتَکبِرُونَ عَنْ عِبادَتی سَیدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرینَ». خدا دعا را به عنوان یک عبادت مهم به حساب آورده، می‌فرماید کسانی که از عبادت من استکبار می‌ورزند به زودی وارد جهنم خواهند شد. دعا اولاً عبادت است، ثانیاً دستور خود خداست؛ در آخرین آیه سوره مبارکه فرقان فرموده «قُلْ ما یعْبَؤُا بِکمْ رَبِّی لَوْ لا دُعاؤُکمْ» این تعبیر، تعبیر قرآنی و تعبیر خیلی مهمی هم هست.

خدای متعال به پیغمبر می‌فرماید: بگو به مردم «ما یعْبَؤُا بِکمْ رَبِّی» اگر دعاهای شما نبود، گدایی‌های شما نبود، عرض نیایش‌های شما نبود من به شما توجه نمی‌کردم، اعتنا نمی‌کردم، یعنی اگر دعا نباشد شاید بلا نازل بشود. در حدیث داریم امواج بلا را با دعا رفع بکنید. با گدایی، با تضرع، با ابتهال در دعای شب جمعه هست که «وَ لا ینْجِی مِنْ سَخَطِک إِلا التَّضَرُّعُ إِلَیک» به خدای متعال عرض می‌کنیم که چیزی ما را از سخط و غضب تو نجات نمی‌دهد مگر تضرع، التماس، دعا و نیایش. در این آشفتگی هر چه انسان دل شکسته بشود و ناله کند و در خانه خدا گدایی بکند و کشکولش را در خانه خدا ببرد، خدا این سرشکستگی، سرافکندگی و ذلت را دوست دارد. چیزی ما را از سخط و غضب خدا نجات نمی‌دهد مگر دعا، تضرع و نیایش.

به قول مولانا:

زور را بگذار و زاری را بگیر
رحم سوی زاری آید ای فقیر

انسان در دستگاه خدا شانه نکشد، گردن بلند نکند و اظهار زور، قدرت یا خودستایی، خودنمایی نکند، اینجا این چیزها قیمت و بها ندارد بلکه باعث سرشکستگی انسان می‌شود. شیطان ۶ هزار سال عبادت کرد و چون خودمحور و خودبین و خودخواه بود، عبادت‌های او هم پایمال شد و از بین رفت. خدا زاری را دوست دارد. کسی که زمین خورده است. شاید این شعر حافظ مضمون ده‌ها یا صدها روایت باشد که می‌فرماید:

در کوی ما شکسته دلی می‌خرند و بس
بازار خودفروشی از آن سوی دیگر است

و قطعاً همین طوری است. در روایت داریم که چرا دعا از خواندن قرآن افضل است: «الدّعاء مخّ العباده» دعا مقر عبادت است. آن شکستگی که در دعا و تضرع و گدایی هست در نماز نیست، در تلاوت قرآن نیست. انسان در تلاوت قرآن خودش را مخاطب خدا قرار داده و خدا دارد با او صحبت می‌کند. اما در دعا و نیایش حالت تضرع، گدایی و شکستگی، آن شکستگی و ذلت نفسی که در دعا هست در بقیه عبادت‌ها نیست. در روایتی می‌فرماید دعا کردن افضل است از تلاوت قرآن که الحمدلله مکتب ما گنج‌های فراوانی دارد، دعاهایی که در ایام ماه مبارک رمضان شاید انسان همه‌اش را هم یا خیلی‌اش را نتواند فرصت کند بخواند. دعای ابوحمزه ثمالی هر جمله‌اش واقعاً چقدر راهگشاست. چقدر بشارت‌دهنده است، چقدر راه‌ها را به سوی خدا باز می‌کند. در همان اوایل دعا ابوحمزه ثمالی هست «وَ أَنَّ الرَّاحِلَ إِلَیک قَرِیبُ الْمَسَافَهِ وَ أَنَّک لا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِک إِلا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الأَعْمَالُ [الْآمَالُ] دُونَک» می‌فرماید: خدایا کسی که کوچ و سیر و سلوک بکند به سوی تو، طالب تو است. راه به سوی خدا نزدیک است برعکس کسانی که می‌گویند راه بسته است. اصلاً ما کجا؟ خدا کجا؟ به قول یک بزرگی فرمود: راه خودش بسته است، راه بقیه را هم می‌خواهد ببندد. در گردنه گیر کرده است، می‌گوید همه گیر کرده‌اند. یکی از شگردهای امام‌های ما این بود که راه‌ها را باز می‌کردند، هموار می‌کردند.

بین خدا و خلق دلالی می‌کردند، پیوند ایجاد می‌کردند، راه را نزدیک می‌کردند. نه راه را ببندیم، نه راه را سنگین بکنیم. می‌فرماید راه به سوی خدا نزدیک است (قَرِیبُ الْمَسَافَهِ) خدا از هر چیزی و از هر کسی به ما نزدیک‌تر است. از رگ گردن هم به ما نزدیک‌تر است. (الرَّاحِلَ إِلَیک قَرِیبُ الْمَسَافَهِ) فکر نکنیم که خیلی دور یا سخت است بلکه نزدیک است. و می‌فرماید: تو هیچگاه پنهان نیستی از بندگانت، از خلقت. الا اینکه آمال و آرزوها، خیال‌ها و وهم‌ها باعث شده که ما فکر کنیم خدا دور است یا نبینیم خدا را.

انسان تا وقتی خودش را می‌بیند و خودبینی، خودمحوری و خودخواهی داشته باشد خدا را نمی‌بیند. اگر انسان این آمال و آرزوها و خیالات را کنار بگذارد به لطف الهی می‌بیند که از همه نزدیک‌تر به او خداست. و غیر خدا چیزی نیست، کسی نیست، هر چه هست عالم پر از جلوه اوست. به قول یک بزرگی می‌فرماید ما در جاهلیت خودمان دنبال خدا می‌گردیم ولی وقتی خدا پرده‌ها را کنار زد دیدیم جز خدا کس دیگری نیست. نزدیک‌تر از او چیزی نیست؛ اصلاً راه نیست، گفت: کوی جانان را که صد کوه و بیابان در ره هست
رفتم از راه دل و دیدم که یک گام بود

خواجه حافظ می‌فرماید:

زچشمت جان نشاید برد کز هر سو می‌بینم
کمین در گوشه‌ای کرده است و تیری در کمان دارد

(یا مَنْ لا مَفْزَعَ إِلا إِلَیه) راهی جز خدا نیست، کسی هم که فرار می‌کند، نمی‌تواند مگر به سوی خدا فرار کند. مفزع و پناهگاه جز خدا نیست. ان‌شاءالله از دعاها بهره بگیریم و با جان کلام دعاها آشنا بشویم و جزو دعاکنندگان واقعی باشیم و خدای متعال طبق وعده پیغمبر دعاهای‌مان را مستجاب بفرماید.

نیاز جامعه دینی به دعا و تلاش

حجت‌الاسلام‌والمسلمین مسعود عالی: ارتباط ما با خدا که به صورت دعا و مناجات با پروردگار عالم یا توسل و ارتباط روحی با اولیای خدا خود را نشان می‌دهد، باید سراسر زندگی ما را در بر بگیرد، حال بعضی اوقات حاجات یا بلاها انسان را برای برقراری این ارتباط معنوی بیشتر آماده می‌کند. انصافا دعاهای اهل‌بیت گنجینه‌ای در اختیار ما است. تا ادعیه مکاتب و مذاهب دیگر را با حجم ادعیه‌ای که از اهل‌بیت علیهم‌السلام به ما رسیده چه از نظر کمیت و کیفیت مقایسه نکنیم، قدر این گنجینه را نمی‌دانیم. خدا رحمت کند آقای بهجت را، ایشان می‌گفت مفاتیح داروخانه است، یعنی این ادعیه هر کدام ویتامین‌ها و خاصیت‌های مختلفی برای جایگاه‌های مختلف دارد، از جمله همین دعای هفتم صحیفه سجادیه که امام هادی علیه‌السلام فرمودند: «ما در گرفتاری‌ها و شدائد دعای «یَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَکارِهِ...» را می‌خوانیم». البته فقط منحصر به این دعا هم نیست و ما موارد دیگری هم داریم اما عرض من این است که به‌طور کلی ارتباط داشتن با ادعیه خیلی ارزشمند است. واقعاً آغوش خدا به‌روی کسانی که اهل دعا و توسل و استغفار و ذکر هستند باز است و بهترین وقت برای آرامش و دفع بلا همین موقع دعاست.

باید به این نکته توجه داشت که درست است دعا، توسل، استغفار، ذکر و نماز جزو اسباب معنوی هستند اما اسباب معنوی و اسباب مادی جای یکدیگر را نمی‌گیرند. حتی انبیای الهی هم محتاج مداوا بودند و سراغ اسباب عادی می‌رفتند، اسباب عادی را نباید کنار زد. ما در روایت داریم که «ان نبی من الانبیا مرض». یکی از انبیا مریض شد، گفت «من خودم را مداوا نمی‌کنم مگر اینکه خدا من را شفا بدهد». وقتی شفا نرسید بعد از یک مدت که گذشت گفت «خدایا چه شد؟» خداوند متعال فرمود: «من این اسباب را حکیمانه گذاشتم». اینچنین نیست که ما فکر بکنیم حوزه مادی و حوزه معنوی هر کدام برای خودشان یک خدایی داشته باشند، بلکه خدا همه جا وجود دارد و همه‌کاره است، بنابراین در عین حالی که شما از اسباب مادی استفاده می‌کنید اما جای اسباب معنوی را نمی‌گیرد. اسباب مادی گاهی مواقع آرامشی برای انسان نمی‌آورد ولی اسباب معنوی آرامش می‌آورد. اسباب مادی کاربردش تا یک حدی است، چون علم بشر محدود است اما اسباب معنوی بن‌بستی ندارد و بی‌نهایت است.

برای مثال دعای هفتم صحیفه سجادیه را وقتی شما مشاهده می‌کنید می‌بینید واقعا مضامین توحیدی فوق‌العاده‌ای دارد و اگر کسی مداومت به خواندن آن داشته باشد، به نتایج خوبی می‌رسد. ما باید سعی کنیم که اهل دعا بشویم، اینکه صرفا بخواهیم یک کلمه بگوییم تا کن‌فیکون بشود، درست نیست و نباید این‌چنین برخورد کرد. اگر کسی اهل دعا بشود، مضامین آن در جانش می‌نشیند و جزو منطقش می‌شود. آن وقت در هیچ جا دیگر بن‌بستی نخواهد داشت، چون اگر در جایی سبب ظاهری از کار افتاد مسبب‌الاسباب که از کار نیفتاده است. روایتی از امام رضا علیه‌السلام داریم که می‌فرمایند: «رَأَیْتُ أَبِی فِی الْمَنَامِ فَقَالَ»؛ من پدرم [حضرت امام موسی‌بن جعفر علیه‌السلام] را در خواب دیدم که به من گفت «فرزندم در شدائد و بلاها زیاد «یا رئوف یا رحیم» را بگو». این ذکر امام کاظم علیه‌السلام خیلی ارزشمند است که گفته بشود. خدا رحمت کند آیت‌الله آسید احمد آقای خوانساری را که می‌گفت «روزی ۵ مرتبه آیه‌الکرسی را بخوانید». در روایت داریم که اگر کسی یک بار آیه‌الکرسی را بخواند یک صف از ملائکه محافظ او هستند و اگر ۲ بار بخواند ۲ صف، و ۳ بار بخواند ۳ صف، و ۴ بار بخواند ۴ صف اما در پنجمین بار خداوند متعال به ملائکه‌اش می‌فرماید که «دعوه»؛ شما رهایش کنید، من محافظش هستم، لذا آیت‌الله آسید احمد آقای خوانساری می‌گفت «اگر ۵ مرتبه آیه‌الکرسی را در روز بخوانید خود خدا محافظ‌تان خواهد شد».

پس باید توجه داشت که خداوند متعال در دنیا کارهای خود را با ۲ اسباب پیش می‌برد؛ هم با اسباب مادی و هم با اسباب معنوی کارهای بندگان را پیش می‌برد. به طور مثال، انسان اگر رزق یا علم می‌خواهد باید زحمت بکشد و کار کند تا به آنها دست پیدا کند. اگر بیماری دارد و دنبال شفاست، باید سراغ دکتر و درمانگاه برود و اینها همه اسباب است.

گاهی اسباب مادی که حاصل علم بشر است، جواب نمی‌دهد و باید سراغ معنویات برویم. اگر کسی تنها بخواهد با دعا علم و روزی به دست بیاورد، خداوند به او نمی‌دهد. در روایت داریم یکی از جاهایی که خداوند دعا را اجابت نمی‌کند این است که انسان جای استفاده از اسباب مادی موجود، صرفا دعا کند، در این صورت خدا اجابت نخواهد کرد.

در سوره هود داریم که حضرت هود به امت خود می‌گوید: «وَیَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ یُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْکمْ مِدْرَارًا وَیَزِدْکمْ قُوَّةً إِلَی قُوَّتِکمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِینَ»؛ و ای قوم، از خدای خود آمرزش طلبید و به درگاه او توبه کنید تا از آسمان بر شما رحمت فراوان نازل گرداند و بر قوت و توانایی شما بیفزاید، و زنهار به نابکاری و عصیان روی مگردانید». یعنی زمانی که دعا و استغفار کنید نیروی معنوی به نیروی مادی اضافه می‌شود و ۲ نیرو خواهید داشت. سنت الهی این است که با این ۲ اسباب در دنیا کار می‌کند. زمانی که امیرالمومنین(ع) ضربت خوردند، امام حسن و امام حسین(ع) پزشک یهودی برای او آوردند و ایشان هم رد نکردند و آن طبیب هم کار خود را انجام داد.